

تحلیل تروریسم در منطقه خاورمیانه از منظر حقوق اسلام و حقوق بین‌الملل

علی حایک

گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

احمد رضائی^۱

استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران

مریم مرادی

استادیار حقوق، گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

سید باقر میرعباسی

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

محمد صادقی

استادیار پژوهشکده تحقیقات و مطالعات هرمز، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۷

چکیده

تروریسم مفهومی غامض، پیچیده و چند بعدی، زمینه و زمانه پرورده بوده که بسته به منافع سیاسی، اقتصادی و حتی ایدئولوژیک، تفاسیر مختلفی از آن صورت گرفته است. در این راستا یکی از چالش‌های جدی امنیتی کشورمان این است که کشورهای استعمارگر غربی و حامیان تروریسم در منطقه خاورمیانه، اولاً تمدن اسلامی را با تروریسم مرتبط دانسته و عقبه رویدادهای تروریستی معاصر منطقه خاورمیانه را تفکرات و اندیشه‌های اسلامی اعلام نموده‌اند و ثانياً جمهوری اسلامی ایران را حامی گروه‌های تروریستی دانسته و از تحریم‌ها به عنوان ابزاری برای مقابله با ادعای خود در مورد ایران استفاده می‌کنند. با توجه به این وضعیت سؤالی مهمی که در این مقاله مطرح می‌شود این است که وضعیت جغرافیایی موجود فعالیت گروه‌های تروریستی در منطقه خاورمیانه چگونه است و حقوق بین‌الملل تروریسم را چگونه نگریسته‌اند؟ روش انجام این مقاله توصیفی - تحلیلی است که در آن سعی خواهد شد با استفاده از منابع فقهی و حقوقی و نیز مقالات معتبر علمی و پژوهشی به تحلیل و تبیین موضوع پرداخته شود. این پژوهش پس از تعریف تروریسم از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق اسلام و توصیف جغرافیای کنونی فعالیت گروه‌های تروریستی در منطقه خاورمیانه، رویکرد نظام حقوقی اسلام در مبارزه با تروریسم را به روش توصیفی - تحلیلی بررسی نموده است. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که نظام حقوقی اسلام خشونت را ناروا دانسته و تحت عناوین گوناگون مجازات نموده است. جرم بودن بغی، ممنوعیت فتک، منع غیله و اغتیال، جرم بودن محاربه از یک سوی و صلح طلبی و سفارش بر حفظ امنیت و دستور به وفای به عهد در معاهدات بین‌المللی، حکم به جهاد تدافعی و ممنوعیت اقدامات ضد حقوق بشری در جهاد اسلامی از جمله مصادیق مبارزه اسلام با تروریسم و جرائم مشابه با این پدیده است و دلیل قاطعی مبنی بر عدم تأیید این پدیده شوم در دین اسلام است.

واژگان کلیدی: تروریسم، بغی، غیله، محاربه، فتک.

مقدمه

تروریسم یکی از معضلات جامعه جهانی است که امنیت جامعه، جان و مال و آزادی افراد و حرمت اماکن مقدس را تهدید می‌کند و در حقوق بین‌الملل و روابط بین‌المللی کشورها از چالش‌های بسیار مهم و اساسی محسوب می‌شود. این پدیده، سابقه دیرینه‌ای در جهان داشته و به اشکال مختلف در طول تاریخ ظاهر شده است. یکی از چالش‌های جدی امنیتی حکومت دینی و مستقل جمهوری اسلامی ایران این است که کشورهای استعمارگر و حامی واقعی تروریسم، تمدن اسلامی را با تروریسم مرتبط دانسته و عقبه حوادث و رویدادهای تروریستی معاصر را تفکرات و اندیشه‌های اسلامی اعلام نموده‌اند (Hatami, 2010: 25). در این راستا گروه‌های افراطی به ظاهر اسلام‌گرا مانند القاعده که در مغرب اسلامی، در بیابان‌های بین‌موریتانی، مالی و الجزایر فعالیت می‌کردند و هزینه‌های فعالیت خود را از راه باج‌گیری، آدم‌ربایی و قاچاق مواد مخدر به دست می‌آورند (Miguel del Cid Gómez, 2014:12) و یا حزب کارگران کردستان^۱ که به قاچاق مواد مخدر می‌پرداختند (Haigner, et.al, 2012:19) را به عنوان سند ادعای خود مطرح نموده و جمهوری اسلامی ایران را حامی گروه‌های آزادی‌خواه و مقاومت ولی به زعم غربی‌ها تروریست دانسته و از ابزارهایی همانند تحریم علیه ایران استفاده نموده و می‌نمایند و حتی سعی نموده وجه قانونی به اقدامات تحریمی نامشروع خود بزنند تا جایی که در فوریه ۲۰۱۵ میلادی شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۲۱۹۹ از تحریم‌ها به عنوان ابزاری بسیار مهم در جنگ علیه تروریسم و بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی یاد می‌کند- (S/RES/2199, 2015). و به اسناد حمایت از گروه‌های تروریستی تحریم‌های متعددی علیه ایران وضع می‌نماید.

بنابراین برای پاسخگویی به چالش مطرح شده باید روشن نمود که آیا دین اسلام و مذاهب اسلامی عامل ایجابی در ظهور اقدامات خشونت‌بار تروریستی بوده‌اند؟ و آیا این باور دینی یعنی فدا کردن جان و به شهادت رسیدن و جهاد برای خداوند یا در راه دین و امر مقدس می‌تواند به ترویج خشونت علیه بشریت و تروریسم منجر شود؟ آیا رسیدن به یک هدف و اعتقاد مقدس، خشونت علیه بشریت و پدیده تروریسم را تجویز و توجیه می‌کند؟ «شهادت و شهادت‌طلبی» و «جهاد اسلامی» مفاهیمی هستند که یکی از جلوه‌های بیرونی دین اسلام را در عرصه جهانی به تصویر می‌کشند. اما آیا شهادت‌طلبی و جهاد اسلامی که یک خشونت مجاز برشمرده می‌شود، از مصادیق تروریسم است؟ آیا در دین اسلام به ویژه مذهب تشیع خشونت‌هایی که از مصادیق تروریسم محسوب شود، مجاز شناخته شده است؟ از طرف دیگر اگر مصادیق کنونی تروریسم مجاز شناخته نشده است در خصوص ممنوعیت اقدامات تروریستی و مقابله با آن‌ها دین اسلام چه راهکارهایی ارائه می‌نماید؟ بنابراین چالشی پیش‌روی نظام حقوقی اسلام شبهاتی است که توسط معاندین مطرح می‌شود مبنی بر این که دین اسلام را مؤید و منبع اقدامات تروریستی افراد به ظاهر مسلمان گروه‌های تروریستی افراطی اعلام می‌نمایند. هدف این قدرت‌ها به اسم مبارزه با تروریسم مدرنیزاسیون و نوسازی خود اسلام است (Zob, 2004:42). از طرف دیگر با توجه به اینکه دین اسلام کامل‌ترین دین و آخرین دین الهی است و در آموزه‌های این دین هیچ حکم ضد حقوق بشری دیده نمی‌شود و در فرامین آن اعمال و اقدامات تروریستی مترود است و جهاد اسلامی و شهادت‌طلبی صرفاً به دلیل دفاع از کیان و ناموس اسلام تجویز

۱. PKK

شده است و به این دلیل مجاهدان مورد احترام اسلام و مسلمانان هستند زیرا جهاد ابتدایی ممنوع است و جهاد دفاعی مقدس است. با توجه به این مقدمه سؤالی که در این مقاله مطرح می‌شود این است که وضعیت جغرافیایی موجود فعالیت گروه‌های تروریستی در منطقه خاورمیانه چگونه است و حقوق اسلام و حقوق بین‌الملل تروریسم را چگونه نگریسته‌اند؟ روش انجام این مقاله توصیفی - تحلیلی است که در آن سعی خواهد شد با استفاده از منابع فقهی و حقوقی و نیز مقالات معتبر علمی و پژوهشی به تحلیل و تبیین موضوع پرداخته شود.

رویکرد نظری

برخی معتقدند واژه ترور از فرانسه اقتباس شده است و به معنی قتل سیاسی به وسیله اسلحه است و این کلمه در فرانسه به معنی وحشت و خوف آمده است. بنابراین اصل تروریسم حکومت وحشت و فشار است و برخی ترور را از ریشه لاتین ترس به معنای ترساندن و وحشت و ترس دانسته‌اند (Butter, et al, 2005, 19) برخی دیگر ترور را به معنی هراس و هراس افکنی دانسته‌اند. (Ashouri, 2018: 99) در زبان عربی برای کلمه تروریسم کلمه «الارهاب» به معنی خوف، خشونت و سختگیری به کار رفته است که کلمه رهب و مشتقات آن در قرآن کریم چندین بار از جمله در آیه ۴۰ سوره بقره، آیه ۶۰ سوره انفال، آیه ۱۳ سوره حشر به کار رفته است (Hajiani, Zamiri, 2010: 18). برخی معتقدند در زبان عربی تروریسم را ارهاب می‌گویند که مشتق از فعل (رهب، یرهب، رهبه) بوده و به معنی ترس، دلهره و وحشت است (Ibn al-Manzor, 2005: 249) در زبان عربی واژه ارهاب در سال‌های اخیر به معنای تروریسم به کار رفته است ولی در گذشته ارهاب به معنای تروریسم استعمال نشده است (Mohammadi (Bahrani), 2011: 7). در زبان فارسی تروریسم را به معنای ترس شدید، وحشت، دلهره و تهدید غیرعادی و دور از انتظار بیان نموده‌اند. (Haghshenas, et al, 2014: 1757؛ Hayyem, 2014: 585) برخی واژه تروریسم در لغت فارسی را به معنای دهشت افکنی به کار برده‌اند (Hashemi, 2006: 33).

قریب صد تعریف از تروریسم ارائه شده است ولی همچنان مفهوم روشنی از آن در دست نیست (Hashemi, 2016: 20) از جمله تعاریف ارائه شده عبارت‌اند از: «کاربرد مکرر خشونت با انگیزه سیاسی به همراه قصد ارعاب به وسیله عواملان غیردولتی که بر بیش از یک دولت اثر می‌گذارد» (Rahpeik, 2002: 251)

- «قصد ایجاد رعب و وحشت برای رسیدن به مقاصد خاص». (Ardebili, 2001: 121)

فرد یا گروهی که با توسل به شیوه‌های خشن، غیرمتعارف و غافلگیر کننده، جان و مال و امنیت عمومی را در معرض تهدیدات جدی قرار داده و موجب ایجاد ترس و وحشت عمومی می‌شود. (Shamloo Ahmadi, 2001:)

(130)

- تروریست کسی است که برای رسیدن به اهداف خویش به خشونت و یا تهدید متوسل می‌شود. همچنین تروریسم را کارهای جنایی ضد کشور به منظور ایجاد هراس در اشخاص یا اصناف و طبقات معین و یا همه مردم کشور دانسته‌اند. (Jafari Langroudi, 2016: 150)

- تروریسم به معنای ایجاد رعب و وحشت در جامعه برای رسیدن به یکسری اهداف، از موضوعات بسیار مهم عصر حاضر است (Alhouei nazari, Famil zavvar jalali, 2017: 744)

- الگوی نظام یافته‌ای از رفتار خشونت‌آمیز که به نوعی طراحی شده است تا جمعیتی تهدید شوند و بدین ترتیب سیاست‌های دولت خاصی تحت تأثیر قرار گیرد (Lodge, 1981: 5).

- عملی نهادینه ولی نامعمول که به منظور تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی خاصی انجام می‌گیرد و همواره با کاربرد تهدید یا خشونت همراه است (Thronton, 1964:77).

- تهدید و یا استفاده از خشونت، اغلب بر ضد شهروندان برای دستیابی به اهداف اجتماعی یا سیاسی برای ترساندن مخالفان یا ایجاد نارضایتی عمومی (Bayhis, Smith, 2005: 481)

- استفاده از زور، خشونت با تهدید به منظور کسب اهداف سیاسی از طریق ایجاد وحشت، ارعاب و قوای قهریه. (Lander, 1981: 3)

- تقریباً ارتکاب هر عمل غیرقانونی که برای نیل به اهداف سیاسی صورت پذیرد. (Sobel, 1975:3)

- خشونت با انگیزه سیاسی که توسط گروه‌های کوچکی صورت می‌پذیرد که مدعی نمایندگی همه توده‌های مردم هستند. (Rubenstein, 1997:7)

- کاربرد غیرقانونی یا تهدید به کاربرد زور یا خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مجبور یا مرعوب ساختن حکومت-ها یا جوامع که اغلب به قصد دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک صورت می‌گیرد. (Hajiani, Zamiri, 2010: 18)

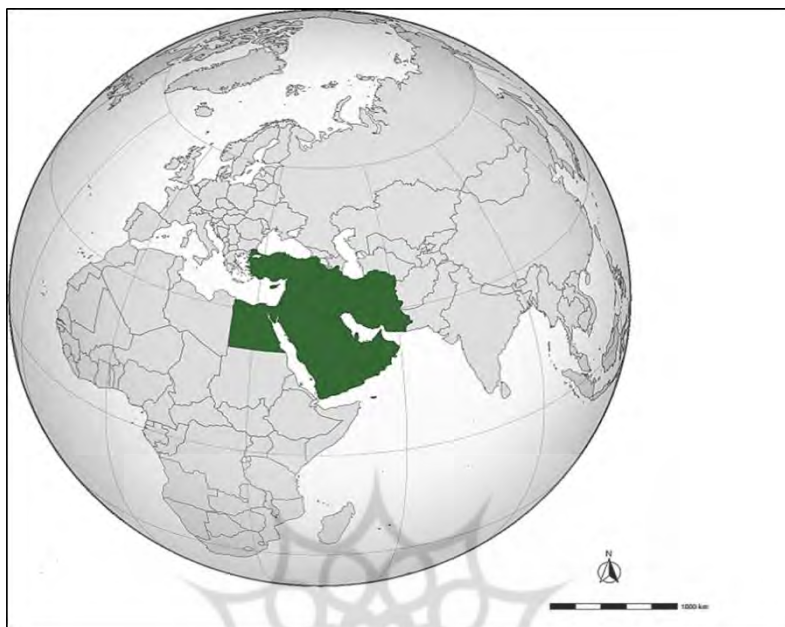
- به عنوان وسیله‌ای برای سرکوب علیه استقلال‌طلبی‌ها، نفی وابستگی‌ها و محرومیت‌ها، ایستادگی در برابر زورگویی ابرقدرت‌ها، و قیام‌های مردمی در برابر رژیم‌های استبدادی وابسته - به کار گرفته می‌شوند و در عین حال، پوششی هستند برای شیوه‌های تهدید و ارعابی که ابرقدرت‌ها برای پیشبرد سیاست‌های سلطه‌گرانه و تجاوزگرانه خود در جهان به وجود آورده‌اند (Amid Zanjani, 2012: 425).

تروریسم در منطقه خاورمیانه

خاورمیانه منطقه جغرافیایی بین قاره‌ای واقع در جنوب غربی قاره آسیاست که دربرگیرنده کشورهای بین مصر و ایران است. کشورهای عضو منطقه عبارت‌اند از: ایران، اردن، فلسطین اشغالی، امارات متحده عربی، بحرین، ترکیه، فلسطین، سوریه، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت، لبنان، مصر، یمن. خاورمیانه منطقه‌ای استراتژیک از نظر جغرافیایی و انرژی است، به طوری که ۵۶٪ درصد از نفت کره زمین در این منطقه وجود دارد. عربستان، ایران، عراق، کویت، امارات متحده عربی از کشورهایی هستند که دارای بزرگ‌ترین منابع نفت در جهان هستند (Shafi'i Arabi, 2008: 83).

ایران و قطر به ترتیب اولین و دومین ذخایر گاز طبیعی در جهان را دارند. اصطلاح خاورمیانه از طرف اروپاییان به این منطقه داده شده است زیرا اروپاییان سرزمین‌هایی که در شرق اروپا بودند رو به ترتیب به سه قسمت خاور دور- (آسیای شرقی)، خاورمیانه (جنوب غرب آسیا) و خاور نزدیک تقسیم‌بندی کرده‌اند. این منطقه آسیایی در واقع نخستین خاستگاه تمدن جهان بوده و بسیاری از باورها و آیین‌ها جهان از این منطقه‌ی آسیایی برخاسته است.

خاورمیانه از میانه قرن بیستم، مرکز توجه جهانی و شاید حساس‌ترین منطقه جهان از نظر استراتژیکی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده است خاورمیانه زادگاه ادیان مهمی چون یهودیت، مسیحیت، اسلام، و ادیان غیر ابراهیمی مثل دین زرتشتی، آیین مهر و مانوی است (Javid, 2007: 101).



نقشه شماره ۱: موقعیت جهانی منطقه خاورمیانه

Source: (<https://www.r-spatial.org>)

سال‌هاست که کلمه تروریسم، جزئی جدایی‌ناپذیر از اخبار خاورمیانه است. از میان گروه‌های تروریستی که اکنون فعال هستند، برخی به واسطه کشتار بیشتر، پرآوازه‌ترند. طالبان، القاعده، بوکو حرام و داعش گروه‌های تروریستی معروفی هستند. تاریخ گروه‌های تروریستی افغانستان به حمله شوروی در افغانستان و جنگ‌های داخلی این کشور بازمی‌گردد؛ اما گروه تروریستی طالبان در سال ۲۰۰۷ از مجموعه‌ای از گروه‌های تندرو محلی تشکیل شد و اگرچه در آغاز مردم فکر می‌کردند که این گروه می‌تواند به جنگ‌های داخلی پایان دهد، اما خود آغازگر منازعات داخلی برای افغانستان شد. گروه القاعده یکی دیگر از گروه‌های تروریستی افغانستان است که البته حامی اصلی آن بن لادن - میلیاردر عربستانی و نفر دوم آن ایمن الظواهری بوده‌اند. بن لادن القاعده را سال ۱۹۸۸ برای مبارزه با شوروی ایجاد کرد (Ja'fari, 2013: 11).

جدول ۱: معرفی شبکه القاعده

مکان شکل‌گیری	افغانستان
آغاز شکل‌گیری	۱۹۸۸
آغاز قدرت‌گیری	۲۰۰۱
رهبران	اسامه بن لادن، ایمن محمد ربیع الظواهری
ایدئولوژی	سلفیسم، سنی، قطیسم
تعداد اعضا	۲۵ الی ۴۰ هزار نفر
حوزه فعالیت	جهانی

Source: (Research findings)

شاید مهم‌ترین فرق داعش با دیگر گروه‌های تندروی اسلامی این است که داعش خودش را دولت اسلامی می‌نامد و ادعای خلافت جهانی دارد. ریشه داعش به گروه توحید و جهاد می‌رسد؛ گروهی که در سال ۲۰۰۴ به القاعده

پیوست و با نیروهای آمریکایی و ارتش عراق می‌جنگید. با کشته شدن رهبران پیشین این گروه توسط نیروهای آمریکا، ابوبکر البغدادی رهبر این گروه شد. با شروع جنگ سوریه آن‌ها به سوریه رفتند و نام «دولت اسلامی شام و عراق» را روی خود گذاشتند (Maleki, 2007: 23).

جدول ۲: مختصات گروه داعش

مکان شکل‌گیری	عراق
زمان شکل‌گیری	۲۰۰۳
آغاز قدرت‌گیری	۲۰۱۴
رهبران	ابو مصعب الزرقاوی، ابو حمزه المهاجر، ابو عمر البغدادی، ابوبکر البغدادی، فاضل احمد الحیالی
ایدئولوژی	وهابیسم، سنی، شیعه سنی، سلفیسم
تعداد اعضا	بیش از ۲۰۰ هزار نفر
حوزه فعالیت	جهانی

Source: (Research findings)



نقشه ۲: جغرافیای فعالیت داعش در منطقه خاورمیانه

Source: (<https://www.theguardian.com>)

جبهه النصره گروه اسلام‌گرای سلفی و شاخه رسمی شبکه القاعده در سوریه است. این گروه با گسترش جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۲ در حمایت از اکثریت سنی مذهب سوریه وارد جنگ علیه نیروهای دولتی بشار اسد شد. تاکنون بسیاری از حملات انتحاری علیه رژیم اسد و سرویس امنیتی سوریه در اقصی نقاط این کشور را جبهه النصره صورت داده است. شمار جنگجویان جبهه النصره بین ۵ تا ۲۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود. رهبر این گروه ابومحمد الجولانی نام دارد. اعضای این گروه در ۱۱ استان از ۱۴ استان سوریه، به ویژه در ادلب، حلب و دیرالزور فعال‌اند و بخش‌هایی از مناطقی در شمال سوریه در تصرف آن‌هاست (Vasegh and aqaei, 1394: 141).

جدول ۳: معرفی جبهه النصره

مکان شکل‌گیری	سوریه
سال شکل‌گیری	۲۰۱۲
سال قدرت‌گیری	۲۰۱۴
رهبر	ابومحمد الجولانی
ایدئولوژی	وهاپسیم
تعداد اعضا	حدود ۱۵ هزار نفر
ایدئولوژی	سلفیسم، سنی، قطیسم
حوزه فعالیت	خاورمیانه، آمریکا، آفریقا و اروپا

Source: (Research findings)

تعریف تروریسم در برخی اسناد بین‌المللی

در خصوص تروریسم در اسناد بین‌المللی تعریف جامع و مانعی که مورد پذیرش همه کشورها باشد، ارائه نشده است. اما بعد از حادثه یازدهم سپتامبر تلاش فراوانی صورت گرفته است که اجماع جهانی برای مبارزه با تروریسم به وجود آید. در اسناد بین‌المللی متعدد تروریسم تعریف شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

«تلاش‌هایی با هدف ایجاد تحولات در حکومت، اخلال در ارائه خدمات عمومی، مسموم ساختن روابط بین‌الملل با قتل رؤسای دولت‌ها یا نمایندگان حکومت‌ها، تخریب ابنیه، تسهیلات و ارتباطات عمومی، ایجاد آلودگی در غذا یا آب و تحریک بیماری‌های واگیر» (Schlagheck, 1987:120).

«تروریسم عبارت است از روا دانستن اقداماتی که دارای ماهیت ایجاد وحشت در اذهان عامه و گروه‌های انسانی است.» (ماده ۲۴ مقررات مربوط به جرائم بین‌المللی کنوانسیون حقوق بین‌الملل (U.N.GADR, 1991)).

«اگر شخصی به صورت غیرقانونی عامدانه مواد انفجاری را بر ضد اماکن عمومی، تأسیسات دولتی، سیستم حمل و نقل یا تأسیسات زیربنایی به کاربرد یا به قصد ایجاد کشتار، ایراد صدمات جانی یا وارد کردن خسارت شدید به چنین تأسیساتی، مواد انفجاری را مورد استفاده قرار دهد یا تلاش به استفاده از آن‌ها بنماید، تروریست محسوب می‌شود.» (Shamloo Ahmadi, 2001: 131)

«فعالیت‌های مجرمانه و خشونت‌آمیزی که گروه‌های سازمان‌یافته برای ایجاد رعب و وحشت انجام می‌دهند تا به این ترتیب نیل به اهداف به اصطلاح سیاسی را میسر سازد.» (Busar, 1997: 20)

از جمله نکات مشترک تعاریف فوق می‌توان خشونت‌بار بودن عمل تروریستی علیه شهروندان، (Shariati, 56: 2015) Mirzadeh) قصد ایجاد و رعب و وحشت و سازمان‌یافتگی (43: 2016) Hashemi) را برشمرد. از تعاریف راجع به تروریسم می‌توان وجوه اشتراک زیر را استنباط کرد: ۱- تروریسم مشتمل بر کاربرد خشونت یا تهدید به خشونت است. ۲- خشونت تروریسم غیرقابل پیش‌بینی است. ۳- قربانیان تروریسم غالباً ارزش نمادین دارند. ۴- تروریسم در پی تبلیغات جنگ روانی و نشر ایده خاصی است. ۵- تروریست‌ها دارای اهداف سیاسی هستند که غالباً می‌توانند متنوع باشند. ۶- تروریسم مسئله پیچیده‌ای است.

شاخصه‌های مهم تروریسم طبق تعاریف ارائه شده

۱- خشونت‌بار بودن عمل تروریستی

خشونت‌بار بودن یک جرم به چند شکل قابل تصور است،

۱- عمل تروریستی در ظاهر خشونت‌بار بوده و به قصد ایجاد رعب و وحشت انجام گرفته و ایجاد ترس و وحشت نیز نموده است. ۲- عمل تروریستی به ظاهر خشونت‌بار بوده و به قصد ایجاد رعب و وحشت انجام گرفته ولی ترسو و وحشت ایجاد ننموده است. ۳- عمل تروریستی به ظاهر خشونت‌بار بوده ولی به قصد ایجاد رعب و وحشت انجام نشده باشد ولی ایجاد ترس و وحشت نماید. ۴- عمل تروریستی به ظاهر خشونت‌بار بوده ولی به قصد ایجاد رعب و وحشت انجام نشده باشد و ایجاد ترس و وحشت ننماید. ۵- تهدید به عمل تروریستی خشونت‌بار به قصد ایجاد رعب و وحشت انجام گرفته و ترس و وحشت ایجاد نموده است. ۶- تهدید به عمل تروریستی خشونت‌بار به قصد ایجاد رعب و وحشت انجام نگرفته ولی ترس و وحشت ایجاد نموده است. ۷- تهدید به عمل تروریستی خشونت‌بار به قصد ایجاد رعب و وحشت انجام نگرفته و وحشت ایجاد نموده است. ۸- تهدید به عمل تروریستی خشونت‌بار به قصد ایجاد رعب و وحشت انجام نگرفته و ترس و وحشت ایجاد ننموده است.

برخی معتقدند «آنچه به عنوان عنصر اصلی و کلیدی در هر عمل و اقدام تروریستی به شمار می‌رود، تلاش و کوشش عمدی برای وحشت‌آفرینی نسبت به یک شخص یا یک گروه یا یک ملت است، خواه همراه با خشونت صورت گیرد و یا اینکه فاقد آن باشد». (Najafi Asfad, 2001: 104-105) بنابراین چهار حالت برای تروریستی بودن یک عمل قابل تصور است. برخی بین عمل وحشت‌آفرین و تهدید به استفاده از آن تفاوت قائل شده و معتقدند مسلماً عمل خشونت‌بار، وصف عمل تروریستی را دارد ولی تهدید به عمل خشونت‌بار، اگر دارای وصف خشونت-بار باشد که موجب هراس شود، عمل خشونت‌بار محسوب شده و به همین دلیل مصداق عمل تروریستی محسوب خواهد شد. (Hashemi, 2016: 42) بنابراین در چهار حالت برای تروریستی بودن یک عمل قابل تصور است. برای مثال تهدید به رها کردن مواد شیمیایی در یک منطقه حتی شایعه به رها کردن مواد شیمیایی در یک منطقه به عنوان عمل تروریستی محسوب می‌شود.

۲- شهروندان قربانیان تروریسم

آیا در تحقق تروریسم ویژگی‌های قربانی جرم تأثیرگذار است؟ به عبارت دیگر آیا اگر قربانی جرم ویژگی خاصی را نداشته باشد، تروریسم محقق نمی‌شود؟ قربانیان جرم ممکن است نظامی یا مقام سیاسی یا شهروند عادی باشند. آیا هریک از افراد مذکور قربانی جرم واقع شوند، تروریسم محقق شده است؟

آنچه مسلم است اگر قربانیان جرم شهروندان عادی باشند، آن جرم تروریسم اطلاق می‌شود؛ چون موجب هراس و وحشت در بین عموم مردم یا برخی از مردم جامعه شده ولی در صورتی که قربانیان جرم نظامیان باشند چون اقدام مسلحانه علیه نظامیان ممکن است عنوان مجرمانه دیگری به خود بگیرد، عنوان تروریسم در خصوص آن‌ها مصداق ندارد مگر اینکه موجب هراس در بین مردم شود. (Hashemi, 2016: 42) در این حالت نیز چون قربانیان اصلی جرم

مردم بوده چرا که هدف اصلی از ترور نظامیان نیز ایجاد رعب و وحشت در بین عامه مردم است. اما سوء قصد علیه مقامات سیاسی در صورتی که در عموم مردم ایجاد هراس و وحشت کند، مصداق تروریسم می‌تواند اطلاق شود چرا که در این حالت نیز قربانی اصلی جرم مقامات سیاسی نبوده بلکه عامه مردم قربانی این اقدام پلید می‌شوند. علت اصلی اینکه تروریسم به عنوان یک جرم تلقی شده و حکومت‌ها با آن برخورد می‌نمایند، این است که شهروندان عادی را که مرتکب هیچ خطا و گناهی نشده‌اند، حمایت شده و مورد تعرض و تجاوز افراد خودسر قرار نگیرند. هدف اصلی از ممنوعیت تروریسم حمایت از افرادی است که از هیچ حمایت ویژه‌ای برخوردار نیستند. اما نظامیان و مقامات سیاسی به روش‌های مختلف مورد حمایت واقع می‌شوند. بنابراین اگر قربانیان تروریسم را شامل افراد نظامی و مقامات سیاسی بدانیم، در جرم انگاری تروریسم، انگیزه‌های سیاسی و یا مذهبی و ... هم دخالت داده می‌شود (Hashemi, 2016: 42) اما اگر فقط هدف حمایت از افراد بی‌دفاع باشد، هیچ انگیزه‌ای غیر از حمایت از افراد بی‌گناه و شهروندان عادی در کار نخواهد بود. در واقع جرم انگاری تروریسم نقش مؤثری در حفظ امنیت جامعه دارد چرا که احساس محیط امن توسط شهروندان عادی یک شهر و کشور در ثبات حکومت در آنجا کمک شایانی می‌نماید.

۳- ایجاد رعب و وحشت

جرم ارتكابی ممکن است به چند شکل واقع شود. گاهی مرتکب قصد ایجاد هراس و وحشت بین عموم مردم را داشته و عمل او نیز به گونه‌ای باشد که موجب رعب و وحشت بین مردم شود. گاهی مرتکب قصد ایجاد هراس و وحشت بین عموم مردم را داشته ولی عمل او به شکلی نیست که موجب رعب و وحشت بین عموم مردم شود. گاهی ممکن است مرتکب قصد ایجاد هراس و وحشت بین عموم مردم را نداشته ولی عمل او به گونه‌ای باشد که موجب رعب و وحشت بین مردم شود. گاهی ممکن است مرتکب قصد ایجاد هراس و وحشت بین عموم مردم را نداشته و عمل او به شکلی نباشد که موجب رعب و وحشت بین مردم نشود. فقط قسم اول از چهار قسم مذکور، مصداق تروریسم محسوب می‌شود، سه قسم دیگر مصداق تروریسم محسوب نمی‌شوند و ممکن است مصداق جرم‌های دیگر محسوب شوند. در حقیقت افراد ترور کننده انتظار دارند تا عملیات آن‌ها بازتاب وسیعی در سطح جامعه داشته باشد. در واقع، هدف قربانی نیست، بلکه هدف عموم به مثابه یک کل است. (Rapoport, 1992: 1062) هدف تروریست‌ها همه انسان‌ها هستند و هیچ کس از حوزه ارعاب و تهدید و خطر بیرون نیست و اهداف کور و مدون شناسایی دقیق و فارغ از تفاوت انتخاب می‌شوند. (Wilkinson, 1992: 56)

۴- سازمان یافته بودن تروریسم

آیا مرتکب جرم به هر شکلی آن را انجام دهد آن عمل تروریستی تلقی می‌شود یا اینکه باید به شکل خاصی ارتکاب یابد تا تروریسم محسوب می‌شود؟ اگر فردی شخصاً مرتکب جرمی شود، آیا عمل او تروریستی تلقی می‌شود؟ یا باید بین جرمی که به صورت فردی ارتکاب یافته با جرمی که به صورت سازمان یافته انجام گرفته است تفاوت قائل شد؟

برخی معتقدند اعمالی که به شکل سازمان یافته یا گروهی واقع شود، تروریسم محسوب می‌شود ولی جرائمی که به صورت فردی انجام شده است، جرم عادی است و تروریسم تلقی نمی‌شود. منظور از تروریسم، اعمال خشونت‌باری است که هم سازمان‌یافته بوده و با انگیزه سیاسی واقع می‌شود. (Mirmohammad Sadeghi, 2001: 115) مثلاً اگر فردی خودسرانه به یک مرکز خرید حمله کند و تعداد زیادی را تیرباران کرده و به قتل می‌رساند، تروریسم محسوب نمی‌شود. برخی معتقدند: «جرم تروریسم، ممکن است انفرادی یا سازمان‌یافته باشد؛ البته جرم تروریسم را نباید با سازمان مجرمانه اشتباه کرد. سازمان‌دهی، ممکن است برای ارتکاب جرائم مختلف از جمله تروریسم صورت پذیرد؛ اما تروریسم، ممکن است بدون سازمان و به شکل انفرادی باشد.» (Azmayesh, 2001: 169) برخی دیگر چنین بیان داشته‌اند: «تروریسم ممکن است اقدامی جمعی و حتی سازمان‌یافته باشد. قانون جزای فرانسه از تمهیدات با عزم پیشین یا طرح معین که در یک رشته عملیات هماهنگ در جهت تأمین قصد خاص، متجلی است، سخن می‌گوید.» (Ardebili, 2001: 121)

از نظرات فوق این‌گونه استنباط می‌شود که سازمان‌یافتگی اعمال تروریستی به این معنا است که اقدام تروریستی با مقدمات و تمهیدات قبلی انجام پذیرد و بین حالتی که یک فرد با تمهیدات قبلی و یا یک گروه با تمهیدات قبلی اقدام به عمل تروریستی نموده‌اند، فرقی وجود ندارد. به عبارت دیگر عمل تروریستی باید از قبل طراحی شده باشد و تعداد مرتکبین این عمل تأثیری در تروریستی بودن آن عمل ندارد البته ممکن است تعداد مرتکبین یا شدت اعمال تروریستی در میزان مجازاتی که حکومت‌ها برای مرتکبین پیش‌بین می‌کنند، تأثیر بگذارد.

با عنایت به مطالب فوق‌الذکر، می‌توان گفت تعریف جامع و مانعی از تروریسم در دکترین حقوق بین‌الملل ارائه نشده است و هریک از تعاریف فوق مورد نقد قرار گرفته است که از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود. با توجه به جمیع جهات، تعریف زیر به عنوان تعریف مناسب‌ترین تعریف، ارائه می‌گردد:

تروریسم عبارت است از به‌کارگیری اقدامات خشونت‌بار غیرقانونی، علیه شهروندان عادی یا تهدید به آن، به هدف ایجاد رعب و وحشت بین عامه مردم

انواع تروریسم

توجه سازمان ملل به تروریسم و ریشه‌های آن به سه دهه پیش با مرکزیت مجمع عمومی باز می‌گردد که گونه‌های مشخصی از تروریسم را بر پایه عوامل، هدف‌ها، شیوه‌ها و دیگر عوامل دسته‌بندی کرد. تروریسم به سه گونه بر پایه مباشر یا عامل بخش می‌شود: تروریسم دولتی، تروریسم غیردولتی و تروریسم دو پهلو. که هر یک از این‌ها بر پایه هدف شیوه، زیرگروه‌هایی نیز دارند.

۱- تروریسم دولتی

تروریسم دولتی، تروریسمی است که در آن، دولت هدایت ترور را به عهده گرفته، برای آن سازمان در نظرمی گیرد. هزینه‌هایش را پرداخته، به افراد آموزش‌های نظامی می‌دهد و آن‌ها را در درون و بیرون جامعه هدایت می‌کند. ترور نمودی آشکار از به‌کارگیری خشونت و دولت نمود بارز قدرت سیاسی است. از این‌رو زمانی که یک دولت به عنوان یک قدرت سیاسی، خشونت را در راستای اهداف خود بکار گیرد، با مقوله‌ای تحت عنوان «تروریسم دولتی»

مواجه خواهیم بود. (Kargari, 2012: 72) از جمله گروه‌های تروریستی دولتی که توسط دولت‌های استعمارگر ایجاد شده است می‌توان به گروه تروریستی داعش اشاره نمود که اگرچه بعضی از این گروه‌ها ظرفیت حمله به کشورهای خاورمیانه و جهان سوم را دارند، آن‌ها برای صلح جهانی و امنیت کشورهای اروپایی نسبت به هر زمان دیگری از شروع قرن اخیر کم‌خطرترند (Barret, 2012:3) گروه‌های تروریستی مذکور از انواع سلاح‌ها و فناوری‌های پیشرفته و پیچیده نهایت استفاده را می‌کنند. (Marin, 2015:10)

دولت‌ها یا رژیم‌های سیاسی می‌توانند به طور مستقیم، خود مرتکب اقدامات خشونت‌آمیز علیه شهروندان خود شوند، نظیر آنچه که استالین یا هیتلر علیه شهروندان خود انجام دادند و یا اینکه در راستای منافع خارجی خود، سایر کشورها را محل ارتکاب اقدامات خشونت‌آمیز خود قرار دهند و بدین ترتیب تروریسم دولتی را به ظهور برسانند. در تروریسم دولتی، یک دولت در انجام یک عملیات تروریستی و یا حمایت از عملیات خرابکارانه به منظور سرکوب نمودن مخالفین خود در داخل کشور خود، یا تضعیف و زوال و براندازی حکومت یا ساختار کشور دیگر دخالت یا مشارکت فعال دارد. استفاده قدرت‌ها از ترور می‌تواند در قالب ناپدید سازی (Kargari, 2012: 83) و حذف فیزیکی (Mir Mohammad Sadeghi, 2014: 142) نمود داشته باشد.

در حقوق بین‌الملل دولت‌ها متعهد هستند از اقدامات تروریستی حمایت و پشتیبانی نکنند و کلیه اسناد بین‌المللی بر این مسئله اجماع داشته‌اند که دولت‌ها باید از سازمان‌دهی، تحریک یا مشارکت در اقدامات تروریستی خودداری نمایند. (Zarneshan, 2007: 81) با این حال عدم وجود ضمانت اجرا در عرصه بین‌المللی مانع از آن شده که دولت‌ها به این تعهداتشان عمل کنند. حمایت کشورها از تروریسم عمدتاً به شیوه‌های پنهانی و غیرمستقیم است و در این میان عمدتاً شیوه‌هایی را در پیش می‌گیرند که راه هرگونه اتهام را بر آنان را می‌بندد. (Bandura, 2002: 288-289)

دولت‌ها ممکن است با پرداخت هزینه‌های یک اقدام تروریستی از آن تروریسم دولتی (Mehra, Kargari, 2014: 244) یا صرفاً با حمایت‌های دیپلماتیک، فارغ از حمایت‌های مالی یا نظامی (Kargari, 2012: 115) حمایت کنند. در کنار دریافت کمک‌های مالی به عنوان رایج‌ترین نوع کمک، پناه گرفتن در سایه دولت‌ها و استفاده از قلمرو سرزمینی یک دولت، نوع دیگری از کمک‌های دولتی است که گروه‌های تروریستی از آن بهره می‌برند. یکی دیگر از شیوه‌هایی که می‌توان آن را به عنوان اقدامی حمایتی برای تروریست‌ها تلقی کرد، بی‌تفاوتی دولت‌ها نسبت به دستگیری یک تروریست تحت تعقیب و یا پیشگیری از اقدامات یک گروه تروریستی در قلمروی جغرافیایشان است که این امر معمولاً برای دوری از قرار دادن خود به عنوان هدف حملات تروریستی صورت می‌گیرد. (Samiei Esfahani, 2015: 119)

۲- تروریسم غیردولتی

تروریسم غیردولتی خود به دو نوع تروریسم خودمختاری و تروریسم برخاسته از نفرت، تقسیم می‌شود. گاهی تروریسم، در اصل با جنبش‌های استقلال‌خواه ضد استعماری در هم آمیخته است و دربردارنده‌ی جنبش‌های مبارز برای خودمختاری جزئی علیه یک قدرت دولتی است که دشمن موجودیت، هویت یا بقای آن گروه دانسته می‌شود.

(Rama, 2014: 74) و گاهی تروریسم، دربرگیرنده گروه‌های قوم‌پرست، نژادپرست، فاشیست، یا گروه‌های مشابهی است که آتش زدن، سو قصد، حلق‌آویز کردن و دیگر اعمال خشونت‌بار علیه اعضای بی‌گناه یک گروه بلاگردان را که از نظر نژادی یا فرهنگی متمایز می‌شوند، به گردن می‌گیرند. (Rama, 2014: 76)

از تروریسم دولتی، تروریسم دینی، تروریسم جنایی، تروریسم علیل یا برخاسته از بیماری‌های روانی، تروریسم گروه‌های معرض یا گروه‌های خاص به عنوان اقسام و گونه‌های تروریسم یاد نمود. (Hosseini, 2012: 2).

۲- تروریسم از دیدگاه اسلام

۱- مفهوم تروریسم از منظر اسلام

بعد از جنگ جهانی دوم مفهوم تروریسم به شکل امروزی توسعه یافت. (Mohammadi (Bahrani), 2011: 18)

گروگان‌گیری و ترور شخصیت‌ها در طول قرن بیستم حضور پررنگی داشت و به نوعی نسل اول تروریسم با تاریخ قرن نوزدهم و بیستم عجین است. اقدامات خشونت‌آمیز نیز گروه منتسب به طالبان و القاعده در سال ۲۰۰۱ نسل دوم تروریسم را وارد ادبیات سیاسی جهان کرد. در مکتب اسلام، چیزی به نام تروریسم وجود ندارد و تروریسم به عنوان یک مکتب، اولین بار در اروپا شکل گرفته است. (Hashemi Shahroudi, 2001: 13) ارائه معادلی برای ترور و تروریسم از فرهنگ و حقوق اسلامی نیز در زمره دغدغه صاحب‌نظران اسلامی بوده است بررسی مطالعات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که تاکنون برای کلمه ترور چند معادل فتک، غیله، بغی، محاربه ارائه شده است. که در ذیل به تطبیق موارد مذکور با تروریسم می‌پردازیم:

۱- بغی و تطبیق آن با تروریسم

در عرف متشرعه خروج از اطاعت امام معصوم (Najafi, 2005: 32) مشروط به خروج از کنترل حاکمیت (Tusi, 2007: 256) داشتن تأویل و تفسیر موجه برای رفتار (Helley (Allameh), 1995: 407) و شوکت و اقتدار در گروه (Tusi, 2007: 264) بغی نامیده می‌شود. برخی با توجه به شروط مذکور در فقه در خصوص باغی، بغی را چنین تعریف کرده‌اند: «بغی عبارت است از توسل به قوه قهریه و امتناع از تن دادن به فرامین حاکم اسلامی، به وسیله گروهی مقتدر از مسلمانان که برای رفتار قهرآمیز خود، توجیه و تأویلی دارند.» (Hashemi, 2016: 124) بنا به این تعریف بغی یکی از مصادیق جرم سیاسی تلقی می‌شود (Mohammadi Jorkouieh, 2004: 102) و مترادف دانستن بغی در فقه با جرم سیاسی (Mir Mohammad Sadeghi, 2014: 56) صحیح نیست. بغی را نمی‌توان مترادف تروریسم دانست چرا که در مقایسه تروریسم و بغی می‌توان تفاوت‌های در مورد سازمان‌یافتگی در هر دو مشاهده نمود.

۱- یکی از شرایط اساسی بغی شوکت و اقتدار است که بیانگر سازمان‌یافتگی این جرم است اما سازمان‌یافتگی در تروریسم با شوکت جرم بغی متفاوت است چرا که سازمان‌یافتگی در تروریسم فقط مربوط به زمانی است که مرتکب جرم تروریستی مقدمات و تمهیداتی را پیش‌بینی کرده باشد ولی شوکت در بغی علاوه بر تمهیدات نیازمند یک سازمان‌دهی نظامی و نیروها است.

۲- در تروریسم صرف تهدید به خشونت و ترساندن موجب تحقق جرم می‌شود ولی در بغی علاوه بر تهدید باید درگیری عملی نیز انجام شود که بغی محقق شود. پس در بغی باید توسل به قوه قهریه باشد و از طرفی تا زمانی که شروع به اعمال قوه قهریه بر ضد حکومت نگردد، نمی‌توان جنگ با مرتکب آن را آغاز نمود. (Hashemi, 2016:136) بنابراین بغی از منظر امنیتی نسبت به برخی از مصادیق تروریسم پرخطرتر است و جنگ نظامی علیه حکومت محسوب می‌شود. البته رابطه بغی و تروریسم را می‌توان عموم خصوص من وجه دانست چرا که ممکن است برخی از مصادیق بغی، از مصادیق تروریسم نیز محسوب گردد. با توجه به اینکه دین اسلام بغی را جرم اعلام نموده است و برای آن مجازات تعیین کرده است، اقدامات تروریستی که برخی از مصادیق آن بغی محسوب می‌شود، را نیز محکوم می‌نماید و هیچ مشروعیتی برای این اقدامات قائل نیست.

۲- فتک و تطبیق آن با تروریسم

برخی از اهل لغت آورده‌اند «فتک به معنای این است که کسی بر همراه خود وارد شود و در حالی که او غافل است، به‌طور ناگهانی او را به جنگ اندازد و به قتل برساند» (Aljouhari, 1986: 1602) برخی دیگر آورده‌اند «فتک عبارت است از اینکه شخصی به صورت ناگهانی به دیگری حمله برده و او را به قتل برساند.» (Ibn al-Asir, 2005: 409) در ادبیات و اشعار عرب نیز از قتل حضرت علی(ع) به دست ابن ملجم به فتک تعبیر شده است. (Ibn Fars, 1983: 471-472) در اصطلاح فتک را چنین تعریف کرده‌اند: «فتک این است که بر کسی غفلتاً یورش ببرند و او را بکشند، خواه با سلاح باشد یا نباشد، در امور سیاسی باشد یا نباشد» (Marashi, Mohammad 2001: 28) برخی معتقدند می‌توان فتک را مفهومی نزدیک به تروریسم دانست (Mohammadi (Bahrani), 2011: 54) اما بین تروریسم و فتک تفاوت وجود دارد: یکی از اهداف اساسی تروریسم ایجاد هراس در بین عامه مردم است ولی در جرم فتک هدف ایجاد رعب و وحشت در بین عامه مردم نیست. آنچه مسلم است برخی از مصادیق تروریسم تحت عنوان فتک قابل طبقه‌بندی است چرا که با ترور همه ارکان فتک محقق می‌شود ولی نمی‌توان هر عملی که از مصادیق فتک باشد را ترور محسوب نمود، چون از حیث هدف و انگیزه فتک در پی هراس و وحشت‌افکنی در بین عامه مردم نیست ولی تروریسم با انگیزه هراس افکنی انجام می‌شود. بنابراین تروریسم از این حیث که امنیت جامعه را تهدید می‌نماید پرخطرتر از فتک بوده و مسلماً از منظر دین اسلام مذموم است.

۳- غیله و تطبیق آن با تروریسم

در کتاب‌های لغت غیله به کسر غین، را عبارت از این می‌دانند که کسی دیگری را فریب دهد و او را به مکان خلوتی راهنمایی کرده و هنگامی که به آن مکان رسید، او را به قتل برساند. (Ibn al-Manzor, 2005: 512)؛ 409؛ Aljouhari, 1986: 2؛ Fathullah, 1994: 78؛ Falehji, 1987: 78) در فتک و غیله حمله ناگهانی و غافلگیری مقتول وجود دارد ولی بین فتک و غیله یا اغتیال دو تفاوت دیده می‌شود.

۱- در فتک به شخص مقتول نوعی امان و اطمینان خاطر داده می‌شود ولی بعد او را مورد حمله غافلگیرانه قرار می‌دهند، اما در غیله به مقتول امان و اطمینان خاطر داده نشده است.

۲- غیله در مکان پنهانی انجام می‌شود ولی فتک هم در مکان پنهانی و هم در مکان علنی انجام می‌گیرد.

۳- در فتک مقتول قاتل را می‌شناسد ولی در غیله مقتول قاتل را نمی‌شناسد.

بنابراین رابطه فتک و غیله عموم و خصوص من وجه است. (Montazeri, 2008: 76) ممنوعیت غیله تا جایی است که قتل مهدورالدم نیز به صورت غیله در روایات منع شده است و روایت اسحاق انباری که اغتیال را مجاز دانسته است، هم از نظر سند مخدوش بوده چرا که اسحاق انباری مجهول است و محمد بن عیسی بن عبید هم که ناقل روایت از او است جزء غلات است. هم ضعف سندی دارد چرا که در کتاب روایی معتبری نقل نشده است و همچنین با فرض اغماض نسبت به دو ایراد قبلی، مضمون روایت به یک مسئله استثنائی برمی‌گردد. (Montazeri, 2008: 85-86) از جمله موارد استثنایی می‌توان به ساب‌النبی که بر اساس دیدگاه مشهور فقهای شیعه، مجوزی برای قتل وی وجود دارد، (Najafi, 2005: 438) اشاره نمود. اما در عصر تشکیل حکومت اسلامی بسیار بعید به نظر می‌رسد که فقها چنین اختیاری برای عموم مردم قائل بدهند. (Hashemi, 2006: 115-124) آنچه مسلم است برخی از مصادیق تروریسم تحت عنوان غیله قابل طبقه‌بندی است چرا که با ترور همه ارکان غیله محقق می‌شود ولی نمی‌توان هر عملی که از مصادیق غیله باشد را ترور محسوب نمود، چون از حیث هدف و انگیزه غیله در پی هراس و وحشت‌افکنی در بین عامه مردم نیست ولی تروریسم با انگیزه هراس‌افکنی انجام می‌شود. بنابراین تروریسم از این حیث که امنیت جامعه را تهدید می‌نماید پرخطرتر از غیله بوده و مسلماً از منظر دین اسلام مذموم است.

۴- محاربه و تطبیق آن با تروریسم

تعاریف متعددی از محاربه از منظر فقها و اندیشمندان جهان اسلام ارائه شده است. حضرت امام خمینی قدس سره معتقدند: «محارب آن کسی است که سلاح بکشد و او آن سلاح را برای ترساندن مردم آماده کرده باشد و قصد او ایجاد فساد در زمین باشد، خواه عمل او در خشکی باشد یا در دریا، در شهر باشد یا بیرون از شهر، شب باشد یا روز» (Khomeini, 2008: 492) برخی دیگر محارب را کسی می‌دانند که «سلاح برکشد و از تبهکاران باشد، خواه در شهر باشد یا خارج از شهر، در سرزمین‌های اسلامی باشد یا غیر اسلامی، در شب باشد یا روز» (Tusi, 1979: 720) برخی در تعریف محاربه آورده‌اند: «کشیدن سلاح و یا نمایش هرگونه ابزار خشونت‌بار (مانند آلودگی با سموم)، به منظور ایجاد هراس عمومی (افساد فی الارض)» (Hashemi, 2016: 108).

آنچه از تعاریف فوق‌الذکر برداشت می‌شود این است که سلاح کشیدن و ایجاد ترس و وحشت کردن مختص شهرها و سرزمین‌های اسلامی نیست هر زمان و مکانی این اقدام انجام شود محاربه محسوب می‌گردد. بنابراین بسیاری از مصادیق جرم‌های تروریستی مثل غارتگری، گروگان‌گیری، آدم‌ربایی، هواپیماربایی، کشتار غیرنظامیان بی‌گناه، بمب‌گذاری محاربه محسوب می‌شود. تفاوتی که بین تروریسم و محاربه وجود دارد، در ابزار ایجاد خشونت است. در محاربه ابزار ایجاد خشونت سلاح است ولی در تروریسم لزوماً ابزار ایجاد عمل خشونت‌بار سلاح نیست. آنچه مسلم است تمام مصادیق محاربه به عنوان مصادیق تروریسم قابل طبقه‌بندی است؛ چرا که در محاربه همه ارکان تروریسم محقق می‌شود ولی نمی‌توان هر عملی که از مصادیق تروریسم باشد را محاربه محسوب نمود، چون در تروریسم همیشه سلاح به کار نمی‌رود ولی یکی از ارکان محاربه استفاده از سلاح است. بنابراین محاربه از این حیث که امنیت جامعه را با سلاح تهدید می‌نماید پرخطرتر از تروریسم بوده و از منظر دین اسلام مذموم است و از این حیث که برخی از مصادیق تروریسم از مصادیق محاربه بوده، مسلماً اسلام اقدامات تروریستی را مذموم می‌داند.

ممنوعیت تروریسم و دیگر جرائم مشابه در اسلام

هرچند که اشتراکاتی بین تروریسم و برخی از جرائم مذکور در حقوق اسلام وجود دارد، اما فصل مشترکی بین نظام اسلام و حقوق بین‌الملل در خصوص تروریسم وجود دارد که نگاه منفی این دو نظام به پدیده تروریسم است. از میان اصول کلی اسلام و ممنوعیت‌های که راجع به جرائم مشابه تروریسم این نگاه منفی اسلام را نسبت به این پدیده شوم می‌توان برداشت نمود. در ادامه ممنوعیت جرائم مشابه تروریسم و اصول کلی اسلام که نفی تروریسم و خشونت است به اختصار بررسی می‌شود:

۱- ممنوعیت بغی

ممنوعیت بغی در اسلام مبتنی بر آیه شریفه «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (Surat al-Hajjah, verse 9) اگر دو طائفه از مؤمنین به جان هم افتادند بینشان اصلاح کنید پس اگر معلوم شد یکی از آن دو طائفه بر دیگری ستم می‌کند با آن طائفه کارزار کنید تا به حکم اجبار تسلیم امر خدا شود و اگر به سوی خدا برگشت بین آن دو طائفه به عدل اصلاح کنید (و باز هم توصیه می‌کنم که) عدالت را گسترش دهید که خدا عدالت‌گستران را دوست می‌دارد.

سیره حضرت علی (ع) در برخورد با سه گروه از باغیان (قاسطین، ناکثین و مارقین) در زمان حکومت خود، مهم‌ترین دلیل و مستند برای ممنوعیت بغی در اسلام است. (Hashemi, 2016: 118) این ممنوعیت نشان از عدم تأیید هر گونه اقدام نظامی علیه حاکم اسلامی و نوع بشریت است. به عبارت دیگر اسلام و حکومت اسلامی که مبتنی بر فرامین این دین است بغی و تروریسم را که امنیت افراد جامعه و حکومت را تهدید می‌کند، ممنوع دانسته و هیچ دلیل و مدرکی مبنی تأیید این اقدامات بیان نمی‌کند.

۲- ممنوعیت فتک

در احادیث و روایات اسلامی، «فتک» مورد ذم و نکوهش قرار گرفته و ممنوع شناخته شده است. (Ibn al-Asir, 2005: 409) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند: «الایمان قید الفتک»؛ (Alam al-Hodi, 2002: 329) امان دادن، ترور را محدود ساخته است. برخی معتقدند، این سخن استعاره است و بدین معنی است که مؤمن به دلیل ایمانش، خون محترم را به خاطر تعصب و سنت‌های جاهلی بر زمین نمی‌ریزد لذا ایمان، انسان را از ترور و آدم‌کشی منع می‌کند. (Alam al-Hodi, 2002: 329) برخی معتقدند فتکی که ممنوع شناخته شده است، مربوط به اقدام به قتل بعد از امان دادن به مقتول است. چنانکه در روایت آمده است «الایمان قید الفتک. من آمن رجلاً علی دمه فقتل، فأنا من القاتل بریء و ان كان المقتول كافراً»؛ (Alam al-Hodi, 2002: 176) ایمان بازدارنده از فتک است. هر کس فردی را از ریختن خونش امان دهد، اما او را بکشد من از آن قاتل بیزارم، هرچند مقتول کافر باشد. همچنین امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به یکی از اصحاب خود که مجوز برای کشتن همسایه هتاک خود به ساحت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌خواست، فرمودند این کار «فتک» است و قطعاً اسلام قید(عامل محدود کننده) و مانع فتک است.

البته برخی مجازات‌هایی که اسلام برای برخی جرائم پیش‌بینی کرده است را با فتک یکسان می‌دانند، مثلاً مجازات «ساب النبی صلی الله علیه و آله» با فتک یکسان می‌دانند ولی در این خصوص باید گفت اولاً در فتک شخص بی‌گناه کشته می‌شود ولی در مجازات سباب‌النبی، مجرم مهدورالدم کشته می‌شود. ثانیاً مجازات سباب‌النبی یک خشونت مبتنی بر قانون و علنی و اعلام شده است ولی خشونت در فتک پنهانی و مخفیانه است. ثالثاً، چون افرادی که از سوی پیامبر اکرم مهدورالدم شناخته شده مجرم بوده و حکومت دسترسی به آن‌ها نداشته و زنده ماندن آن‌ها موجب به خطر افتادن نظام اسلامی بود، با اعلام قبلی و بدون ایجاد رعب و وحشت در میان مردم حکم به قتل آن‌ها را صادر نمودند. رابعاً، در همه مواردی که مجازات اسلامی بوده، حتماً اذن و اجازه حاکم اسلامی به طور علنی اعلام شده است. هیچ کس با استنباط شخصی خود اقدام به این عمل نکرده است. (Hosseini, 2012: 4)

با توجه به اینکه مصادیق تروریسم تحت عنوان فتک قابل طبقه‌بندی است چرا که با ترور همه ارکان فتک محقق می‌شود ولی نمی‌توان هر عملی که از مصادیق فتک باشد را ترور محسوب نمود، چون از حیث هدف و انگیزه فتک در پی هراس و وحشت‌افکنی در بین عامه مردم نیست ولی تروریسم با انگیزه هراس افکنی انجام می‌شود. و با عنایت بر ممنوعیت هر نوع فتک که تهدید کننده امنیت افراد در جامعه اسلامی است، اسلام اقدامات تروریستی را ممنوع دانسته و تمامی اقدامات تروریستی را که تهدید کننده جان انسان‌ها حتی کفار است را جرم دانسته و محکوم می‌کند.

۳- منع غیله و اغتیال

«غیله» و «اغتیال» یکی دیگر از اقدامات ضد امنیتی است، که در اسلام حرام و جرم شمرده شده است (Ibn al-Manzori, 2005: 473) برخی از فقها چنین فتوا داده‌اند: «اگر کافر در میدان جنگ گمان برد که مسلمانان قصد دارند به وی امان دهند، در حالی که مسلمانان چنین مقصودی نداشته باشند و او با چنین گمانی تسلیم شود، روا نیست او را غیله کنند و از روی فریب بکشند.» (Helley (Allameh), 1998: 415) برخی دیگر معتقدند: «امان مانع اغتیال است» (Najafi, 2005: 276) با توجه به اینکه برخی از مصادیق غیله منطبق بر تروریسم باشد، چنین می‌توان نتیجه گرفت که از منظر اسلام غیله حتی نسبت به کافر حربی در میدان جنگ نیز ممنوع است و چنین دینی که از ۱۴۰۰ سال پیش تاکنون چنین اقداماتی را ممنوع دانسته است مسلماً امکان ندارد از تروریسم حمایت کند و آن را ممنوع می‌داند.

۳- مبارزه اسلام با تروریسم

در اسلام اگر چه واژه تروریسم وجود ندارد ولی احکام و دستورالعمل‌ها و دیدگاه‌های وجود دارد که تروریسم را مشروع نمی‌داند و حکم به مبارزه با آن می‌دهد. در این خصوص می‌توان به احکام و دستورالعمل‌هایی که در خصوص مبارزه با «فتک»، «غیله»، «محرابه» و .. صادر شده است، اشاره نمود. با عنایت به اینکه از منظر اسلام، انسان خلیفه الهی بر روی زمین است (Surat al-Baqara, verse 30) و خداوند انسان را بر دیگر مخلوقات کرامت بخشیده است (Surah Isra'ah, verse 70)، حفظ امنیت جان و مال و سایر داشته‌ها انسان و عدم تعرض به آن‌ها لازمه این کرامت است. اسلام مسلمانان را مکلف به حفظ جان، مال، ناموس و شرافت افراد بشر دانسته و اجازه

نمی‌دهد که هیچ کس از طریق نامشروع به افراد بشر تجاوز کند. (Mohaghegh Damad, 1996: 190) بنابراین هر اقدام علیه امنیت جامعه اسلامی و امنیت جامعه جهانی که با مسلمانان در جنگ نیستند، از نظر اسلام و حکومت جمهوری اسلامی ایران که پیرو احکام اسلامی است، ممنوع بوده و مذموم شناخته می‌شود.

۴- وفای به عهد در معاهدات بین‌المللی از منظر اسلام

از منظر دین مبین اسلام وفای به عهد در معاهدات بین‌المللی یک امر واجب و لازم است. چرا که «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (Surah Maadeh, verse 1) و «المؤمنون عند شروطهم» (Tusi, 2007: 371)، از فرامین این دین است. حاکم اسلامی با توجه به این فرامین در مواردی که جواز انعقاد معاهده با دیگر کشورها را دارد، می‌تواند معاهده، موافقت‌نامه یا پیمان منعقد نموده و باید به آن وفادار باشد. بنابراین حاکم اسلامی می‌تواند معاهدات، پیمان‌ها و موافقت‌نامه‌هایی که در زمینه مبارزه با تروریسم و اقدامات تروریستی است، امضاء کند. برای مثال در کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی برای مقابله با تروریسم بین‌المللی تمهیداتی پیش‌بینی شده است که جمهوری اسلامی ایران عضو این سازمان بوده و باید به این کنوانسیون پایبند باشد و هر عملی که به نحوی نقض پیمان‌های بین‌المللی محسوب شود و امنیت کشور را در جامعه جهانی تهدید نماید، از منظر اسلام محکوم است.

۴- جهاد اسلامی از منظر اسلام

جهاد در معنای خاص، جنگ مقدس و یا مبارزه به خاطر دین و در راه حق و دفاع از آزادی‌های والای اسلامی است. قرآن کریم تنها جهاد فی سبیل الله و یا قتال فی سبیل الله را جنگ مشروع می‌داند «وقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تعدوا»، (Baqara, verse 190) جهاد در اسلام جنبه تدافعی دارد و خشونت مطلقى که به اسلام نسبت می‌دهند واقعیت ندارد. خداوند در قرآن می‌فرماید، با حکمت و موعظه حسنه مردم را به حق فراخوانید: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنه وجادلهم بالتی هی احسن»، (Nehl, verse 125) چرا که اصولاً اعتقاد اکراه بردار نیست: «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی»، (Baqara, verse 256). جهاد در اسلام، شرایط و مقررات ویژه‌ای دارد که مجاهدان اسلام باید آن‌ها را فرا گرفته و مراعات کنند، از جمله اینکه جهاد ابتدایی بدون حضور امام معصوم یا نایب خاص او و جهاد ابتدایی در ماه‌ها و مکان‌های خاص ممنوع است (Surat at-Tawbah, verse 5 and verses 191 and 194 of Baqirah)، همچنین اگر فردی از کافران به مسلمین پناهنده شود، همه می‌توانند به او پناهندگی بدهند یا اگر یکی از کافران، به خیال این که به او امان داده‌اند، وارد حدود مسلمین شود، او را نباید کشت و باید به محل اولش مراجعت داد. کشتن زنان، اطفال، معلولان و نابینایان حرام است و بسیاری از شرایط دیگر که تفصیل آن‌ها در کتب روایی و فقهی موجود است. بنابراین ماهیت و کارکرد جهاد اسلامی بسیار متفاوت از تروریسم است. جهاد اسلامی در مقام حفظ امنیت در سرزمین اسلام است ولی اقدامات تروریستی در هر نقطه از جهان انجام شود، امنیت حکومت‌های اسلامی را تهدید می‌کند.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

تروریسم یکی از مباحث پیچیده نظام بین‌الملل است که به نظر می‌رسد امکان اجماع نظر در خصوص آن وجود نخواهد داشت. زیرا، تعریف تروریسم با منافع و ارزش‌های کشورهای گره خورده است. اکثر کشورهای جهان سوم

خواهان تفکیک تروریسم از مبارزات رهایی‌بخش ملی هستند. ولی کشورهای غربی خواهان محکوم کردن هرگونه اقدام خشونت‌آمیز با هر هدف و انگیزه‌ای می‌باشند. علاوه بر این، حتی در درون سیستم‌های سیاسی مختلف، برداشت‌های متفاوتی از این پدیده وجود دارد. به طور مثال در تعریف وزارت امور خارجه آمریکا از تروریسم، اعمال خشونت‌آمیز را در صورتی که علیه اهداف غیرنظامی باشد، تروریسم قلمداد می‌کند. ولی در سایر ارگان‌های آمریکا، هرگونه عملی علیه اهداف نظامی و غیرنظامی را بدون در نظر گرفتن انگیزه و اهداف، آن را تروریسم به حساب می‌آورد همچنین سازمان‌های بین‌المللی نیز به فراخور درک و ارزش‌های خود تروریسم را تعریف کرده‌اند. علی‌رغم اینکه تعریف واحدی از تروریسم که مورد پذیرش همگان باشد وجود ندارد، ولی اقدامات تروریستی دارای محورهای زیر است: ۱- خشونت ۲- قربانی ۳- هدف ۴- انگیزه ۵- غیرقانونی بودن ۶- قبول مسئولیت به هر حال، تروریسم از اختلاف میان کشورها حداکثر استفاده را برده است. بنابراین، تا زمانی که تعریف واحدی از تروریسم ایجاد نشود که مورد پذیرش اکثر جامعه جهان باشد، امکان مقابله مؤثر با این پدیده وجود نخواهد داشت. اما حقوق بین‌الملل کوشیده است، به هر نحو ممکن از پیشرفت تروریسم جلوگیری نماید و دول جهان را در این مبارزه نفس‌گیر تشویق کند تا زمینه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح بین‌الملل توأم با اعتماد متقابل شکل گیرد، ولی متأسفانه حقوق بین‌الملل در این راستا توفیق چندانی حاصل نکرده است، دلیل آن هم ادامه اجرای عملیات ترور در گوشه و کنار جهان است.

دولت‌ها بایستی میان اقداماتشان در مبارزه با تروریسم و حمایت از حقوق بشر در مقابل اقدامات تروریستی از یک سو و حمایت از حقوق بشر در مقابل مداخلات نا به جای افراد دولتی در نتیجه اقدامات ضد تروریستی تعادل برقرار نمایند. در نتیجه این فشارها، این خطر وجود دارد که دولت‌ها در مبارزه با تروریسم، به اقداماتی همانند اقدامات تروریست‌ها متوسل شوند و این امر به منزله مشروع سازی این اقدامات است. بنابراین نباید تصور شود که حقوق بین‌الملل ضد تروریسم وجود ندارد، بلکه مقررات موجود دارای چارچوب استوار و محکم در مقابله با تروریسم بین‌المللی می‌باشند، اما این که چرا این قوانین نتوانسته آلام بشری را کاهش دهد و در عرصه جهانی موفقیت کسب کند، بحث دیگری خواهد بود.

با وجود اینکه کشورهای اسلامی به خصوص ایران، خود از بزرگ‌ترین قربانیان تروریسم بوده، همواره به عنوان کشورهای حامی تروریسم لقب گرفته است، حال آنکه ادبیات نظری و ریشه‌های ترور و تروریسم در گفتمان‌های حقوقی و سیاسی غرب بوده و از آن‌ها نشأت گرفته است؛ با این حال، اتهام حمایت از تروریسم از طرف کشورهای حامی واقعی ترور و اعمال خشونت‌بار و اخیراً تکرار اتهام‌های بی‌پایه از طرف برخی کشورهای همسایه همچون عربستان و ترکیه، ضرورت پرداختن به این موضوع را با عنایت به اهمیتی که در تبیین مؤلفه‌ها و شاخصه‌های ترور و تروریسم وجود دارد، آشکار می‌سازد. از سوی دیگر در همین راستا اهمیت پیوستن ایران به کنوانسیون‌های ضد تروریستی از جمله کنوانسیون منع حمایت مالی از تروریسم، FATF و ... ضرورت این تحقیق را دوچندان می‌نماید تا انگشت اتهام از سوی کشورها و این‌گونه نهادها از ایران برداشته شود. در چند ماه گذشته نیز همچنان مواردی از سوی جامعه بین‌المللی من جمله از سوی گروه ویژه اقدام مالی که روند پول‌شویی در دنیا را بررسی می‌کند ۹

توصیه را به ایران به شرح زیر داشته است که بررسی هرکدام از این موارد ضرورت پرداختن به تحقیق پیش رو را نشان خواهد داد.

با توجه به اینکه ایران از نوامبر ۲۰۱۷ ساز و کار اعلام وجه نقد خود را ایجاد کرده است و پیش‌نویس لوایح مربوط به مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم را فراهم کرده است، با این حال برنامه اقدامات ایران در شرایطی منقضی شده که بسیاری از اقدامات تکمیلی به پایان نرسیده‌اند. FATF در ادامه از ایران خواسته است نسبت به تکمیل موارد زیر اقدام کند ۱- مجرمانه شناختن تأمین مالی گروه‌های تروریستی بدون در نظر گرفتن استثنای خاص ۲- شناسایی و توقیف دارایی‌های افرادی که مطابق با قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل به عنوان تروریست شناخته شده‌اند. ۳- اطمینان از وجود رهنمودهای مناسب و قابل اجرا برای مشتریان ۴- اطمینان از وجود نهادهای اطلاعات مالی مستقل و الزام به گزارش تراکنش‌های مشکوک ۵- شفاف‌سازی در خصوص نحوه شناسایی و تحریم نهادهای ارائه دهنده خدمات انتقال پول که مجوزهای لازم را ندارند ۶- تصویب و اجرای کنوانسیون‌های پالرمو و تأمین مالی تروریسم و شفاف‌سازی در خصوص ظرفیت طرف ایرانی برای همکاری‌های حقوقی مشترک ۷- اطمینان از وجود تأیید نهادهای مالی و اطلاعات سودمند و کامل در خصوص مبدأ تراکنش‌ها ۸- در نظر گرفتن طیف وسیع‌تری از مجازات‌ها برای نقض قوانین مبارزه با پول‌شویی ۹- اطمینان از وجود قوانین و رویه‌های کافی برای توقیف دارایی‌های مرتبط.

اسلام قتل نفس را ممنوع شمرده است «هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل نفس (به قصد قصاص) یا فساد در زمین (به قصد مجازات مفسد فی الارض) بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته است و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد (او را زنده کند) چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.» (Surah Maeda, verse 32) از دیدگاه اسلام، اصولاً انسان‌ها محقون‌الدم هستند؛ جانشان محترم است و هیچ کسی نمی‌تواند به آن‌ها تعرض کند. تعرض به کسانی که بر اثر ارتکاب جرائمی مانند قتل نفس یا اهانت به انبیاء و ائمه اطهار علیهم‌السلام خونشان بر اساس حکم شرع هدر است جایز است. این تعرض مجاز نیز باید به حکم قانون و علنی شده باشد و به صورت غافلگیری و خودسری نمی‌توان افراد مهدورالدم را نیز به قتل رساند. بنابراین در دین اسلام فقط ۱- قتل برای قصاص و ۲- قتل مفسد فی الارضی که امنیت عمومی را سلب نموده است، به اذن حاکم شرع مجاز است و اقدامات تروریستی و خشونت‌آمیزی که به نحوی منجر به قتل افراد بی‌گناه و مظلوم می‌شود، مردود است و تأیید نمی‌شود و برای مرتکب آن مجازات پیش‌بینی شده است. حضرت امام خمینی (ره) هم با پرهیز از خشونت، در عمل به هیچ تروری دستور نداد و در تئوری نیز با اصل ترور مخالف بود و شرعاً این عمل را حرام می‌دانست. چون امنیت جامعه انسانی را برهم می‌زند و آسایش عمومی را سلب می‌نماید.

از آموزه‌های دیگر دین اسلام عدم ایجاد ترس و وحشت در بین حیوانات و چهارپایان است که علی‌علیه‌السلام به مأمور جمع‌آوری زکات خود سفارش می‌نماید: «هیچ چهارپایی را رم نده و نترسان»؟ (Nahj al-Balagha, No. 25, 381)، چطور دینی که ایجاد رعب و وحشت را در خصوص حیوانات ممنوع کرده است، اجازه می‌دهد در خصوص انسان که اشرف مخلوقات است ایجاد ترس و وحشت جایز باشد؟ مسلم و قطعی است که این دین ارباب و

ترساندن انسان‌ها را تجویز ننموده و این امر را ممنوع می‌داند. حفظ امنیت و آرامش انسان‌ها و حیوانات را واجب اعلام می‌کند.

۳- در هر صورت آموزه‌های اسلامی در پی آن است که تا حد ممکن از گسترش تروریسم جلوگیری کند و حقوق بین‌الملل نیز این هدف را دنبال کرده و تمامی دولت‌های جهان را در این زمینه تشویق می‌کند تا زمینه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح بین‌الملل توأم با اعتماد متقابل شکل گیرد، ولی متأسفانه حقوق بین‌الملل در این راستا به نتایج چندانی نرسیده است، به دلیل اینکه اجرای عملیات ترور در سرتاسر جهان ادامه دارد. در محافل اسلامی، فقها ترور را ویژه افراد و اشخاص پست و دنی می‌دانند و مخالفت شدید خود را در استفاده از این روش اعلام کرده و اقدامات فردی را مخالف اصول کلی و نظم عمومی قلمداد نموده‌اند.

۴ احکام و دستورالعمل‌هایی که در اسلام در خصوص ممنوعیت «بغی»، «فتک»، «غیله» و «مجاربه» صادر شده است؛ همگی بیانگر این موضوع است که اسلام تروریسم را مشروع نمی‌داند و حکم به مبارزه با آن می‌دهد. از منظر اسلام، انسان خلیفه الهی بر روی زمین است (Surat al-Baqara, verse 30) و خداوند انسان را بر دیگر مخلوقات کرامت بخشیده است (Surat al-Asrah, verse 70)، حفظ امنیت جان و مال و سایر داشته‌های انسان و عدم تعرض به آن‌ها لازمه این کرامت است. اسلام مسلمانان را مکلف به حفظ جان، مال، ناموس و شرافت افراد بشر دانسته و اجازه نمی‌دهد که هیچ کس از طریق نامشروع به افراد بشر تجاوز کند. بنابراین هر اقدام علیه امنیت جامعه اسلامی و جامعه جهانی که با مسلمانان در جنگ نیستند، از نظر اسلام و حکومت جمهوری اسلامی ایران که پیرو احکام اسلامی است، ممنوع بوده و مذموم شناخته می‌شود. بنابر مطالب فوق‌الذکر فرضیه اول به اثبات رسید.

میان تروریسم و جهاد اسلامی، تفاوت‌های اساسی و بنیادی وجود دارد. تروریسم در دیدگاه اسلام عمل نامشروع، غیرانسانی و مخالف با اهداف و ارزش‌های والای الهی بوده و با فریضه جهاد - که یکی از استراتژی‌های مهم اسلام برای اصلاح جامعه بشری بر اساس مکانیسم‌های اخلاقی و انسانی و بشردوستانه است و صرفاً جنبه تدافعی دارد - هیچ‌سختی ندارد. جهاد در اسلام، شرایط و مقررات ویژه‌ای دارد که مجاهدان اسلام باید آن‌ها را فرا گرفته و مراعات کنند؛ برای مثال اگر فردی از کافران به مسلمین پناهنده شود، همه می‌توانند به او پناهندگی بدهند یا اگر یکی از کافران، به خیال اینکه به او امان داده‌اند، وارد حدود مسلمین شود، او را نباید کشت و باید به محل اولش مراجعت داد. کشتن زنان، اطفال، معلولان و نابینایان حرام است. بنابراین ماهیت و کارکرد جهاد اسلامی بسیار متفاوت از تروریسم است. جهاد اسلامی در مقام حفظ امنیت در سرزمین اسلام است ولی اقدامات تروریستی در هر نقطه از جهان انجام شود، امنیت حکومت‌های اسلامی را تهدید می‌کند چرا که بسیاری از مواردی که در جهاد اسلامی ممنوع شمرده شده است در اقدامات تروریستی به منظور وحشت‌افکنی و تهدید جامعه انجام می‌شود. اقداماتی که تحت عناوین گروهایی نظیر «داعش»، «طالبان» و علیه کشورها (اعم از اسلامی یا غیر اسلامی) برخلاف احکام دین مبین اسلام صورت می‌گیرد؛ از جمله مصادیق خشونت، تروریسم، نقض حقوق بشر، سلب حق حیات و.... محسوب شده و هیچ‌یک مورد تأیید قرآن و پیشوایان دین اسلام نیست و جهاد اسلامی محسوب نمی‌شود و چیزی جز تفسیرهای منحرف از دین که زائیده کشورهای استعمارگر مانند انگلیس و آمریکا نیست. بنابراین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی باید یک اقدام جدی برای توقف این پدیده‌ها انجام دهند تا چهره صلح

طلب و امنیت خواه دین اسلام در جهان خدشه‌دار نگردد و امنیت حکومت‌های اسلامی همانند جمهوری اسلامی ایران، توسط ابرقدرت‌های غرب و شرق تهدید نشود. بنابراین مطالب فوق‌الذکر فرضیه دوم به اثبات رسید.

Reference

- , 1967. al-Mujazat al-Nabaviyeh Ghahereh. Al-Halabi and partners Institution.
- Alam al-Hodi, M. 2002, Tanziyah al-Anbia. Beirut.
- Alhouei nazari, H, Famil zavar jalali, A, 2017, International Responsibility for Terrorist Financing states, Jornal of public Law studies, volume 47, No 3, 725-746
- Amid Zanjani, A. 2012. Political Jurisprudence. Volume 3. Third Edition. Amir Kabir Publications. 547 pages.
- Ardebili, M. 2001. The Concept of Terrorism. Presented at the Conference on "Terrorism and the Legal Defense of Islam and International Law". Faculty of Judicial Sciences and Administrative Services.
- Ashouri, D. 2018. Political Encyclopedia. Morvarid Publications. 360 pages
- Azmayesh, S. 2001. A New Approach to the Concept of International Terrorism. Journal of Public Law Research. No. 4. pp.88-200
- Bandura, A., 2015. Moral Disengagement. Volume 1.
- Busar, A. 1997. International Criminality. Negar Rakhshani. Ganj Danesh Publications. 136 pages
- Butter, G., Derridan, J., Florie, M., Higgins, R., Bourieau, J., Fleming, P., Ghettle, P., Casse, A., Stoll, M., Schwartz, D., Layman, M. 2005. Terrorism: History, Sociology, Discourse, Law. Abbas Bagherpour ardekani, Esmaeil Baghaei Hamaneh, Zahra Kesmati, Seyed Ghasem Zamani, Vahid Bozorgi, Alireza Tayeb. Ney Publications, 408 pages.
- Elahavi Nazari, H., Famil Zavar Jalali, A. 2016. International Responsibility of Terrorist Financing States. Journal of Public Law Studies. Volume 47. Number 3. pp. 725-746.
- Falehji, M. 1408 AH .Mo'jam al-loghat al-foqaha .Dar al-Nafaes.
- Fathullah, A. 1415 AH. al-Fajj al-Ja'fari al-Mu'ammah. Ahl al-Bayt Institute for Educational Research and Publication.
- Haghshenas, A., Samei, H., Entekhabi, N. 2014. Hezareh Dictionary. Volume 2. Farhang Moaser Publications. 2026 pages
- Hajjani, I., Zamiri, A. 2010. Research and Studies of Terrorism. First Edition. Expediency Council Publications. Strategic Research Center. 237 pages
- Hashemi Shahrudi, S. 2001. Presented at the Conference on Terrorism and the Legal Defense of Islam and International Law. Faculty of Judicial Sciences and Administrative Services.
- Hashemi, S. 2006. Apostasy and Freedom. Institute of Islamic Culture and Thoughts Publications. 166 pages
- Hashemi, S. 2016, Terrorism from the Perspective of Islamic Law and International Documents, Second Edition, Qom, University Research Institute Publications, 430 pages
- Hatami, M. 2011. Terrorism from the Islamic Perspective. Journal of Political and International Research. Volume 6. Number 6. pp.25-47.
- Hayyem, S. 2014. Hayyem English-Persian Dictionary. Farhang Moaser Publications.
- Helley (Allameh), H. 1419 AH .Tazkara Al-Foqhah .vol.9 .Ah Al-Bayt (peace be upon them) le Ehya al-theras institution.
- Hosseini, S. 2012. International Terrorism from the Islamic Perspective. Terror Victims Information Site.
- Ibn al-Asir, M. 2005. Al-Nayyah fi Gharib al-Hadith val-Athar. Volume 3. Dar al-Tafsir
- Ibn al-Manzor, M. 2005. Lisan al-Arab. vol. 1. Alami
- Ibn Fars, A. 1404 AH. Mojam Maghayis al-loghat. vol. 4. Islamic Propagation Office Publications.
- Jafari Langroudi, M. 2016. Law Terminology. 7th Edition. Ganj Danesh Publications. 814 pages
- Jafari, Ali Akbar (2013), The Strategy of "Balance of Threat" and Security of Islamic Governments in the Middle East, Quarterly Journal of Political Studies in the Islamic World, No. 7
- Jalali, M. 2005. Terrorism from the Perspective of International Law with Emphasis on The September 11 attacks. Journal of Nameye Mofid. Eleventh Year. No. 52. pp.49-80.

- Javid, Abbas Ali (2007), Economic Convergence and Security in the Middle East, Quarterly Journal of Knowledge, No. 115
- Kargari, N. 2012. The Themes of Terrorism. First Edition. Mizan Publications. 368 pages
- Khomeini, S. 2008. Tahrir al-Wasilah. Volume 2. Dar al-Kutab al-Islamiyyah. Institute of Arrangement and publication of Imam Khomeini's Works. 540 pages
- Khomeini, S. 2010. Sahifeh-e Noor. Volume 6. Institute of Arrangement and publication of Imam Khomeini's Works.
- Maleki, Mohammad Reza (2007), Israel's Strategy in the Middle East and Its Impacts on the Islamic Republic of Iran, Journal of Political Science, Karaj Azad University, No. 6
- Marashi, Mohammad H. 2001. The Jurisprudential Principles of Condemning Terrorism in Islam. published in Proceedings of Terrorism and Legitimate Defense of Islam and International Law. Center for Judicial Development Studies and the Faculty of Judicial Sciences and Administrative Services.
- Mehra, N., Kargari, N. 2014. A Review of the Terrorist Groups. Published in: Ashouri, Mohammad et al., Terrorism (Collection of Articles). Negah Bineh Publications.
- Mesbah Yazdi, M. 2015. War and Jihad in Quran. Imam Khomeini Educational and Research Institution. 240 pages
- Mir Mohammad Sadeghi, H. 2014. International Criminal Law. Sixth Edition. Mizan Publications. 416 pages
- Mir Mohammad Sadeghi, M. 1979. Special Criminal Law (3) Crimes against Public Safety and Security. Mizan Publications. 496 pages.
- Mirmohammad Sadeghi, H. 2001. Media Terrorism. Presented at the Conference on Terrorism and Legitimate Defense of Islam and International Law. Faculty of Judicial Sciences and Administrative Services.
- Mohaghegh Damad, S. 1996. Formulation of International Humanitarian Law and its Islamic Concept. Legal Research. No. 18.
- Mohammadi (Bahrani), S. 2011. The Legal Approach to Terrorism. First Edition. Farhangshenasi Publications. 256 pages
- Mohammadi Jorkouieh, A. 2004. Comparative Study of Political Crime, Islamic Research Center of IRIB Publications. 234 pages.
- Montazeri, H. 2008. Religious Governance and Human Rights. Arghavan Danesh Publications. 159 pages
- Najafi Asfad, M. 2001. Overview of Terrorism in the Conventions of International Aviation Law. Presented at the Conference on Terrorism and Legitimate Defense of Islam and International Law. Faculty of Judicial Sciences and Administrative Services.
- Najafi, M. 2005. Javaher Kalam. Volume 21. Issue 3. Dar al-Kotob al-Islamiyah.
- Rahpeik, S. 2002. Analysis of Terrorism in Conceptual Relativity of National Security and Interests. First Edition. Judicial Development Studies Center and Faculty of Judicial Sciences and Administrative Services.
- Rama, Mani. 2014. The Roots of Terrorism and Prevention of Conflict. Published in: Ashouri, Mohammad et al., Terrorism (Collection of Articles). Negah Bineh Publications.
- Reich, W. 2003. The Roots of Terrorism. Seyyed Hossein Mohammadi Najm. Sepah Pasdaran Publications. 510 pages
- Saleh, S. 1414 AH. Nahj ol-Balagheh. Dar al-hejrha.
- Samiei Esfahani, A., et al. 2015. The fight against the financing of terrorism in the light of international documents. Journal of Police International Studies. Vol. 6. No. 1. pp. 107-136.
- Shafiei Arabi, Mir Ali (2008), The Importance of the Middle East Region and Overview of the Greater Middle East Plan, Geographical Space Quarterly, No. 23
- Shamloo Ahmadi, M. 2001. Dictionary of Criminal Law Terms. Dadyar Publications. 478 pages.
- Shamlou, B. 2001. Separation of Terrorism and Political Crime. Presented at the Conference on Terrorism and Legitimate Defense of Islam and International Law. Faculty of Judicial Sciences and Administrative Services.
- Shariati, Sh., Mirzadeh, A. 2015. Confronting the Violence of Hegemony and Terrorism in Iraq. Journal of International Political Research. No. 25. pp.47- 74.

Tusi, A. 1400 AH. Al-Nayyah Fei Mojrad al-Fiqhah Wal-fatawi. Dar al-Kotob al-Arabi.

Tusi, A., 2007. Al-Mabsout Fei feqha al-Emamieh. Volume 7. Al-Nasher al-Islami Institute.

Wathiq, Mahmoud and Wahid Aghaei (2015), Assessing the Religious Thoughts and Beliefs of Extremist and Terrorist Groups in the Islamic World Case Study: ISIL and Jabhat al-Nusra, Journal of International Cultural Relations Studies, Year One - Number 1

Zarneshan, Sh. 2007. Security Council and Governments Commitments to Counter Terrorism. Law Journal. No. 36. pp.57-94.

Internet resources

<https://www.r-spatial.org>

<https://www.theguardian.com>

